۴۸ مردی با چشمان حادثه‌ساز

تجمع روستاییان مقابل دارالعدل مرادآباد

در حاشیه

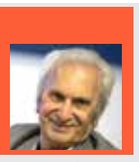

محمد بلوری/ روزنامه نگار

پس از دفن اجساد دزدان دریایی، مردان زخمی آبادی با سر و روی خونین درحاشیه قبرستان پراکنده شده بودند، دراز کشیده برخاک یا تکیه بر خاکریز. آدم فرستاده بودند به آبادی تا مردانی با اسب و گاری و الاغ به یاری‌شان بشتابند و آنها را به مرادآباد برسانند. پیرمردی از میان این مجروحان دستمال یزدی‌اش را جر داده بود تا روی زخم عمیق گلوله‌ای که به تن یک جوان تفنگچی دسته دزدان غارتگر شلیک کرده بود، ببندد و از خونریزی شدید جلوگیری کند.

روستایی تنومندی که زخمی بر پیشانی خون آلودش داشت جنایت قاضی طماع و دهدار ثروتمند آبادی را برای همراهان مجروحش بازگو می‌کرد: سفارش‌نامه خون‌آلودی را که از چنگ سردسته دزدان دریایی درآورده بودند با بلند کردن دستش، نشان همولایتی‌هایش داد و گفت:

- ببینید و گواه باشید برادران، این اجازه‌نامه‌ای است که قاضی مکار و دهدار خیانتکار با گرفتن رشوه‌هایی کلان، امضا کرده‌اند و اثر انگشت مرکبی‌شان را به پای همین سفارش‌نامه گذاشته‌اند.

در این ورقه آمده که آقایان! یعنی یک مشت دزد دریایی مجاز هستند، در این قبرستان هرچند روز که بخواهند حفاری کنند، یعنی استخوان‌های اجدادمان را بیرون بریزند و هرچه زر و سیم و اشیای قدیمی به دست می‌آورند مالک شوند.

یکی از مردان زخمی- همراه ناله‌ای از درد- با چهره‌ای درهم فشرده به زبان آمد: - این خیانتکارها بی‌جهت نیست که هر دو به ثروت و عمارت و تجملات رسیده‌اند؛ برای هر کدام از زن و بچه‌های‌شان هم درشکه‌چی مخصوص دارند. تف به این خیانتکارهای بی‌وجدان که خون ما رعیت ها را در شیشه کرده‌اند.

یکی از میان جمع زخمی‌ها پرسید:

- حاج آقا صفر تعریف کن قضیه این طلا و جواهرات چی هست که نقل می‌کنند. این گنجینه که نقل می‌کنند، دفینه چه کسانی بوده؟

حاج صفر سرفه دردناکی کرد که سینه ورزیده و پت‌وپهن‌اش به لرزه افتاده بود ، گفت:

- آن‌طور که تعریف می‌کنند، در آن قدیم‌ها حکام بلاد لشکرکشی‌هایی می‌کردند و به جنگ هم می‌رفتند لشکریان بعضی از آنها برای رفتن به صحنه جنگ از راه دریایی می‌گذشتند تا سرزمین دشمن را تصرف کنند.

نقل می‌کنند در قدیم‌ها حاکمی با سپاهش سوار بر کشتی‌هایی عازم دیار دشمن بود که در این لشکرکشی دریایی چشمش از دور به آبادی ما در این جزیره افتاد و تصمیم گرفت با حمله به مرادآباد و قتل و غارت مردم بی‌دفاع و بی‌گناه، هم مخارج سفرجنگی‌اش را درآورد و هم آذوقه راهش را فراهم کند.

با این قصد و نیت به طرف ساحل این جزیره راه افتاد و مرادآبادی‌ها هم که به ترس و وحشت افتاده بودند از ترس قتل و غارت، هرچه طلا و جواهر و اشیای قیمتی داشتند، در هرجایی زیرخاک دفن کردند و عده‌ای هم همین قبرستان قدیمی را در نظر گرفتند و اشیای قیمتی‌شان را در میان قبرهای مرده‌ها چال کردند بعد همه اهالی مرادآباد پا به فرار گذاشتند و در بیابان‌ها پراکنده شدند.

شنیده‌ام با گذشت این همه سال از جنگ‌ها و خونریزی‌ها، اخیراً گنج‌نامه‌ای از پیرمردی دوره‌گرد به دست راهزنان دریایی افتاده که در آن آمده، گنجینه‌ای از قدیم در این قبرستان دفن شده است. به‌همین‌خاطر است که به‌سراغ قاضی طمعکار و دهدار خائن آمده‌اند و با دادن سکه‌هایی از آنها اجازه حفاری در این قبرستان را گرفته‌اند.

پیرمردی از میان جمع زخمی‌ها با افسوس، دست به پشت دستش کوبید و گفت: پس با همین دزدی‌ها و دغلکاری‌هاست که این دو خیانتکار ملعون به ثروت و مکنت رسیده‌اند. حالا که این سند خیانت‌شان از دزدان ملعون به دست‌مان افتاده، چه صلاح می‌دانید؟

یکی از میان جمع زخمی‌ها گفت:

- حالا که همه ما زخمی و درمانده‌ایم، باید درمان بشویم تا بتوانیم سرپا بایستیم. آن‌وقت می‌شود به سراغ این دو خیانتکار برویم و در حضور مردم مشت‌شان را وا کنیم. در این هنگام سروصدایی از دور برخاسته بود و در میان گرد و خاک سوارانی به سوی گورستان می‌تاختند؛ روستاییانی بودند که با اسب و گاری به‌طرف قبرستان می‌آمدند تا همولایتی‌های زخمی‌شان را به درمانگاه آبادی برسانند...

***

هنگام صبح مردم رهگذر، جمعی از مردان پیر و جوانی را می‌دیدند که در زد و خورد با راهزنان دریایی در گورستان قدیمی آبادی زخمی برداشته و با سر و صورت و دست و پای باند پیچی شده، مقابل دارالعدل انتظار می‌کشیدند تا قاضی را ملاقات کنند، اما قاضی که می‌دانست در جریان حادثه خونین گورستان قدیمی، راز خیانتش‌اش به مردم افشا شده است، حاضر نبود با زخمی‌ها دیدار کند. حاج صفر، در میان رهگذران مشتاق شنیدن ماجرا که به تماشا ایستاده بودند، نامه خون‌الودی با امضای دهیار و قاضی دارالعدل را به سردست گرفت و فریاد زد: آی مردم آبادی. این سند خیانت قاضی و جناب دهیار با راهزنان دریاهاست که برای غارت ثروت گذشتگان ما می‌خواستند قبرهای اجداد ما را زیر و رو کنند...

▪ ادامه دارد

بازداشت آهنگساز زیرزمینی به اتهام آدم‌ربایی

گروه حوادث/ آهنگساز جوان که با شکایت دختر ۱۴ ساله‌ای مبنی بر آدم‌ربایی و آزار و اذیت بازداشت شده خود را بی‌گناه می‌داند و مدعی است قصد کمک به این دختر را داشته است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، دوشنبه شب زمانی که مأموران کلانتری ۱۶۹ مشیریه کنار کیوسک پلیس ایستاده بودند، دختر نوجوانی خود را از یک خودروی پژو در حال حرکت بیرون انداخت و سپس با عجله به سمت مأموران پلیس دوید و با فریاد از آنها کمک خواست.

جملات بریده بریده دختر ۱۴ ساله نشان می‌داد که راننده خودروی پژو ۴۰۵ او را ربوده و با تهدید چاقو مورد آزار و اذیت قرار داده است.

از سوی دیگر راننده خودروی پژو با دیدن این صحنه پا روی پدال گاز گذاشت و با سرعت از محل دور شد.

مأموران بلافاصله تعقیب و گریز را آغاز کرده و موفق شدند راننده متواری را چند خیابان آن طرف‌تر بازداشت کنند.

■ **آدم ربایی با تهدید**

دختر ۱۴ ساله در تحقیقات گفت: مادرم ۱۰۰ هزار تومان به من پول داد تا از رستوران غذا بخرم. از خانه‌مان در حوالی میدان شوش خارج شدم و به سمت رستوران رفتم که راننده خودروی پژو ۴۰۵ با چاقو از خودرواش پیاده شد و با تهدید مرا به زور سوار خودرویش کرد. او داخل خودرو مرا مورد آزار و اذیت قرار داد و ۱۰۰ هزار تومانم را هم سرقت کرد.

هر چه التماسش کردم که مرا رها کند توجهی نکرد. در راه ناگهان چشمم به چند مأمور افتاد که کنار خیابان ایستاده بودند. من هم از فرصت استفاده کردم و خودم را از ماشین به بیرون انداخته و به مأموران پناه بردم.

اما مرد جوان در بازجویی‌ها گفت: من آهنگساز هستم و برای خواننده های زیرزمینی آهنگ می سازم نامزد دارم این دختر دروغ می‌گوید. روز حادثه از محل کارم به خانه می‌آمدم که در حوالی خیابان مشیریه دختر نوجوان را دیدم که به دام مرد موتوسواری افتاده بود.

خیلی ناراحت شدم و برای نجات او با موتورسوار درگیر شدم. وی که جدال را بی‌نتیجه می‌دید، دختر را رها کرد و از محل متواری شد. من هم او را سوار خودروام کردم تا به خانه‌اش برسانم اما چند دقیقه بعد ناگهان دختر نوجوان از ماشین بیرون پرید و خودش را به مأموران رساند. من که این صحنه را دیدم ترسیدم و فرار کردم.

با توجه به اظهارات دختر ۱۴ ساله، مرد جوان در اختیار کارآگاهان اداره آگاهی قرار داده شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

کشف مواد مخدر با پوشش شکلات

گروه حوادث/ رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا از کشف ۱۰ هزار کیلو شیشه افغانی در کشور و مواد مخدر با پوشش شکلات خبر داد.

سردار مجید کریمی با بیان اینکه از ابتدای سال تا یازدهم آبان سال جاری بالغ بر ۶۵۰ کیلوگرم انواع مخدر توسط پلیس مبارزه با مواد مخدر در سراسر کشور کشف شده است، گفت: مأموران ۱۳۶ فقره عملیات و درگیری با باندها و گروه‌های مسلح قاچاق مواد مخدر از ابتدای سال تاکنون داشته‌اند که در این عملیات ۱۰۶ نفر از عناصر اصلی قاچاق مواد مخدر شناسایی و دستگیر شدند. این مقام ارشد انتظامی در ادامه ضمن تشریح دستاوردهای پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا، نتایج طرح مقابله با خرید و فروش مواد مخدر در فضای مجازی، از کشف شکلات‌هایی با جاسازی روانگردان‌های بسیار مخرب با تی، اچ، سی بالا خبر داد و گفت: در این رابطه ۳ نفر شناسایی و دستگیر شده‌اند که با استفاده از بسترهای مجازی به عرضه این روانگردان‌ها در پوشش شکلات می‌پرداختند.

سردار کریمی با اشاره به عملیاتی که در آنها از سگ‌های موادیاب استفاده می‌شود، گفت: سگ‌های موادیاب پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا از ابتدای سال تا الان بیش از ۴۷ هزار کیلوگرم کشفیات انواع مواد مخدر داشته‌اند. با توجه به اینکه کشور ما در همسایگی افغانستان که یکی از تولیدکنندگان بزرگ مواد مخدر است، قرار دارد کار مبارزه با مواد مخدر سخت‌تر می‌شود، اما باید بگویم بیش از ۱۰ هزار کیلوگرم ماده مخدر شیشه که در افغانستان تولید و به ایران وارد شده بود توسط پلیس مبارزه با مواد مخدر در سراسر کشور کشف و ضبط شده است.

جنایت و نقص عضو به خاطر لایو اینستاگرام

گروه حوادث/ پرونده ۴ پسر جوان که به‌دنبال کری خوانی در اینستاگرام کارشان به نزاع خیابانی کشیده و مرتکب قتل شده بودند در شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران رسیدگی شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده با گزارش یک نزاع خیابانی در پیشوای ورامین آغاز شد. مأموران پس از حضور در محل متوجه شدند که درگیری میان چند جوان رخ داده و در این میان دو نفر به‌نام‌های اصغر و مجید با شلیک گلوله و ضربات قمه بشدت مجروح و به بیمارستان منتقل شده‌اند. در ادامه مأموران به بیمارستان رفتند اما ساعاتی بعد پزشکان خبر فوت اصغر و کور شدن یکی از چشم‌های مجید را اعلام کردند.

تحقیقات مأموران برای شناسایی متهمان ادامه پیدا کرد تا اینکه مشخص شد ضاربان ۴ مرد به‌نام‌های هادی، حسن، سیامک و اکبر بوده‌اند و عامل شلیک گلوله‌ها نیز سیامک بوده که با سلاح وینچستر شلیک کرده و ۳ نفر دیگر هم با قمه به قربانیان ضربه زده‌اند. پس از آن هادی، حسن و اکبر دستگیر شدند اما سیامک متواری بود. متهمان در بازجویی، عنوان کردند که درگیری به خاطر دعوایی بوده که هنگام لایو اینستاگرام به وجود آمده و در انتهای لایو هم سیامک با اصغر قرار گذاشته بودند تا رو در رو باهم دعوا کنند. پس از مدتی سیامک هم بازداشت شد و پرونده بعد از تکمیل تحقیقات به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران رفت.

در جلسه دادگاه متهمان که صبح دیروز برگزار شد پدر و مادر اصغر در جایگاه حاضر شده و خواستار صدور حکم قصاص برای قاتلان پسرشان شدند.

در ادامه مجید دیگر شاکی پرونده گفت: من هیچ کدام از طرفین دعوا را نمی‌شناسم، وقتی درگیری شروع شد من برای میانجیگری وارد دعوا شدم که تیر خوردم و بیهوش شدم. حالا هم چشمم کور شده و درخواست دیه و مجازات متهمان را دارم.

سپس سیامک به‌عنوان متهم ردیف اول به جایگاه رفت و با رد اتهام مطرح شده گفت: من و اصغر به خاطر مسائل مالی با هم اختلاف داشتیم. او به من بدهکار بود و حاضر به برگرداندن پولم نبود تا اینکه یک روز قبل از حادثه در اینستاگرام لایو گذاشت و توهین‌های زیادی به من کرد و من هم از او خواستم رو در رو مشکلمان را حل کنیم. ما با هم در پیشوای ورامین قرار گذاشتیم. ۳ نفر از دوستانم هم با خواست خودشان و برای اینکه تنها نباشم من را در این درگیری همراهی کردند. دوستانم همراه خود قمه آورده بودند. من هم سلاحی را که از قبل داشتم، برداشتم. البته من اسلحه را به قصد کشتنش نبرده بودم ولی فکر می‌کردم که او هم مسلح می‌آید. وقتی سر قرار رفتیم اصغر به من حمله کرد و من هم در ابتدا ۲ تیر بی‌هدف شلیک کردم که یکی از گلوله‌ها به پای او خورد و دیگری هم به چشم مجید اما من گلوله دیگری شلیک نکردم. ۳ دوست دیگرم که در درگیری حضور داشتند با قمه به اصغر حمله کردند و ممکن است ضرباتی که آنها زده‌اند منجر به خونریزی و مرگ او شده باشد. با این حال من اشتباه کردم و درخواست دارم که علت مرگ اصغر مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود گلوله‌ای که من شلیک کردم عامل قتل او نبوده است.

سپس متهم دیگر در جایگاه قرار گرفت. او گفت: من قبول دارم که در درگیری حضور داشتم اما ضربه‌ای که زدم به دست مقتول خورد دوستان دیگرمان هم در آن درگیری بودند که آنها هم قمه داشتند و ضربات کشنده‌ای به اصغر زدند من فکر می‌کنم سیامک درست می‌گوید و ضربات مرگبار را فرد دیگری به اصغر زده است.

بعد از گفته‌های دو متهم با توجه به اینکه دو متهم دیگر پرونده در دادگاه حاضر نشده بودند، ادامه رسیدگی به جلسه بعد موکول شد.

راز کشف جسد پیرمرد در اعماق دره

گروه حوادث/ به‌دنبال کشف جسد یک پیرمرد داخل دره‌ای در روستای وردیج؛ بازپرس جنایی دستور تحقیقات و رازگشایی از مرگ مرموز او را صادر کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۲:۳۰ ظهر دوشنبه ۱۲ آبان، کشاورز جوانی در حال رفتن به زمین کشاورزی اش در روستای وردیج واریش بود که ناگهان چشم اش به جسدی داخل دره افتاد. موضوع به مأموران کلانتری ۱۸۱ وردآورد ، بازپرس کشیک قتل پایتخت و تیم جنایی اعلام شد. به دنبال اعلام این خبر، بازپرس ساسان غلامی و تیم جنایی راهی محل حادثه شدند.

در تحقیقات اولیه هویت پیرمرد از سوی اهالی محل شناسایی و مشخص شد وی یکی از اهالی روستا بوده که معمولاً ۷ کیلومتر راه روستا تا وردآورد را که خانه فرزندانش بود پیاده طی می‌کرد و گاهی اوقات نیز در قهوه خانه‌ای در نزدیکی محل حادثه اوقاتش را می‌گذراند.

در بررسی‌های اولیه این‌طور به نظر می‌رسید که پیرمرد در محل دیگری زخمی و به آنجا منتقل شده است. از آنجایی که علت مرگ مشخص نبود جسد به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران به پزشکی قانونی منتقل شد.

در ادامه بررسی‌ها فرزندان پیرمرد اظهار داشتند: وقتی از غیبت پدرشان در خانه باخبر شده‌اند فکر می‌کردند وی خانه برادر یا خواهر دیگرشان است و حالا که متوجه مرگ او شده‌اند در این باره شکایت دارند.

این در حالی بود که تیم جنایی دریافت ساعت ۳:۳۰ بعد از ظهر روز قبل از کشف جسد، پیرمرد آخرین بار در قهوه خانه دیده شده و قصد رفتن به خانه فرزندانش در وردآورد را داشته است.

بدین ترتیب به دستور بازپرس جنایی صاحب قهوه خانه و دو شاگردش به‌عنوان تنها مظنونان این پرونده تحت بازجویی قرارگرفتند.

آنها در تحقیقات عنوان کردند که همیشه با پیرمرد رابطه خوبی داشته و حتی غذا و چای را هم به‌صورت مجانی به او می‌دادند.

روز قبل از کشف جسد هم پیرمرد به قهوه خانه آنها رفته و پس از نوشیدن چای آنجا را به مقصد خانه یکی از بچه‌هایش ترک کرده است.

بازپرس جنایی دستور تحقیقات بیشتر در خصوص مرگ مشکوک پیرمرد و همچنین مشخص شدن علت مرگ او را صادر کرد.

کتک خوردن راننده از مسافران بدون ماسک

گروه حوادث/ سه مسافر اتوبوس که هنگام سوار شدن ماسک نداشتند وقتی با تذکر راننده روبه‌رو شدند به وی حمله کرده و او را کتک زدند.

اتحادی، مسئول روابط عمومی سازمان اتوبوسرانی مشهد در تشریح این خبر به خبرگزاری صداوسیما گفت: سه مسافر جوان بدون رعایت شیوه نامه‌های بهداشتی و در حالی که ماسک نداشتند سوار اتوبوس شده بودند که راننده با دیدن آنها و بر حسب وظیفه‌اش به آنها تذکر داد یا ماسک بزنند یا پیاده شوند اما این سه جوان ناگهان شروع به اعتراض کرده و با حمله به راننده او را مورد ضرب و شتم قرار دادند.وی در ادامه گفت: در این سازمان تأکید شده که رانندگان اتوبوس‌ها به مسافران برای استفاده از ماسک تذکر بدهند اما به‌تازگی در تذکر به شهروندان با یکی از همکاران برخورد فیزیکی از طرف مسافران انجام شده است.

مرگ پدر و پسر در واژگونی تراکتور

گروه حوادث/ واژگونی تراکتور در زمین‌های کشاورزی باعث مرگ یک پدر و پسر شد.

سرهنگ کاووس محمدی، معاون اجتماعی پلیس فارس در این باره به خبرگزاری صداوسیما گفت: این پدر و پسر سوار بر تراکتور در زمینی کشاورزی واقع در یکی از روستاهای شیراز در حال کار بودند که به‌دلیل نامعلومی تراکتور واژگون شد و هر دو نفر بشدت مجروح شدند اما ساعتی بعد جان باختند. تحقیقات برای بررسی علت این حادثه ادامه دارد.

رئیس مرکز اطلاع رسانی پلیس آگاهی تهران بزرگ:

پرونده سرقت از علی دایی ویژه رسیدگی نشد

گروه حوادث/ رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس آگاهی تهران بزرگ درباره جزئیات دستگیری سارق گردنبند علی دایی گفت: این سارق به اتهام سرقت دیگری تحت تعقیب بود و پس از دستگیری به سرقت از دایی اعتراف کرد.

سرهنگ علی صباحی درباره حاشیه‌هایی که پس از انتشار خبر دستگیری سارق گردنبند علی دایی در رسانه‌ها و فضای مجازی ایجاد شد به ایسنا گفت: در برخی خبرها طوری موضوع مطرح شد که گویا پرونده به شکل ویژه و جداگانه‌ای بررسی شده درحالی که این‌طور نبوده است و از نظر پلیس هیچ فرقی بین شهروندان وجود ندارد، کما اینکه اگر فردی مرتکب جرمی هم شود از نظر پلیس تفاوتی میان افراد مشهور و عادی وجود ندارد. این سارق نیز به سبب سرقت دیگری که انجام داده بود از چند روز قبل از سرقت از علی دایی نیز تحت تعقیب پلیس قرار داشت، کما اینکه درهنگام دستگیری نیز مأموران ابتدا نمی‌دانستند که فرد دستگیر شده سارق گردنبند دایی است و در جریان بازجویی‌ها و کسب شواهد متوجه آن شدند. حدود سه روز بعد از وقوع سرقت و در روز شنبه بود که مأموران پلیس سارقی را دستگیر کردند و مطابق معمول سارق به مقر پلیس منتقل شده و تحت بازجویی قرار گرفت که در اعترافاتش مشخص شد او سابقه ارتکاب سرقت در همان محدوده سرقت از علی دایی را نیز دارد که این فرد تحت تحقیقات فنی و پلیسی قرار گرفته و به سرقت گردنبند دایی نیز اعتراف کرد.

صباحی با بیان اینکه اقدامات مأموران برای دستگیری همدست این فرد نیز ادامه دارد، گفت: بررسی سوابق متهم نشان داد که وی پیش از این پنج سال در زندان بوده و سوابق متعدد مربوط به سرقت را در پرونده‌اش دارد.

وی با بیان اینکه پلیس با اقداماتی که انجام داده است، حدود ۷۰ درصد از سرقت‌ها را کشف می‌کند، گفت: روزانه ممکن است ده‌ها سرقت در تهران رخ دهد و ده‌ها مورد سرقت نیز از سوی پلیس کشف شود، اما هیچکدام رسانه‌ای نمی‌شود چرا که مالباخته فرد مشهوری نیست. این پرونده نیز یکی از ده‌ها یا صدها پرونده‌ای بود که روزانه در پلیس به نتیجه می‌رسد.

حوادث جهان

طوطی جان صاحبش را نجات داد

مرد استرالیایی با کمک طوطی خود توانست از وقوع حریق در خانه آگاه شود و جان خود را نجات دهد.

به‌گزارش شبکه خبری بی‌بی‌سی، این مرد استرالیایی گفت: در خواب عمیق بودم که ساختمان دو طبقه محل سکونتم گرفتار آتش شده بود. طوطی خانگی‌ام شروع به داد زدن کرد و با صدایش از خواب بیدار شدم و بوی دود احساس کردم. صدای انفجاری شنیدم و ناگهان متوجه شعله‌های آتش از قسمت دیگر آپارتمان شدم. بسرعت طوطی را برداشتم و از ساختمان خارج شدم.

هنگام رسیدن نیروهای آتش‌نشان، خانه در میان آتش شعله ور بود و در حدود یک ساعت طول کشید تا نیروهای آتش‌نشان توانستند حریق را مهار کنند. علت حریق مشخص نیست.